

مفهوم روان شناختی واکنش منفی نسبت به سن و جنسیت از دیدگاه مدرسین ایرانی که زبان انگلیسی را به عنوان زبان خارجی تدریس میکنند

آسیه امینی

کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

نام نویسنده مسئول:

آسیه امینی

چکیده

با توجه به اهمیت عوامل عاطفی در آموزش و پرورش، این مطالعه قصد دارد از یک دیدگاه متفاوت به این مسئله نگاه کند و رابطه واکنش منفی را در سن و جنسیت یک نمونه از مدرسین ایرانی که زبان انگلیسی را به عنوان زبان خارجی در موسسات آموزشی زبان و مدارس تدریس می کنند بررسی کند. برای این منظور، تعداد ۵۵۰ معلم زبان انگلیسی مقیاس روان شناختی واکنش منفی هانگ را با دو زیرسازه تمایل به آزادی (DFF) و امتناع (R) که توسط محقق پژوهش حاضر تعریف شده است را پر کردند. با توجه به دو متغیر سن و جنسیت، به منظور سنجش سطح واکنش منفی آزمودنی ها، چهار فرضیه مطرح گردید. به منظور تحلیل داده ها، همبستگی پیرسون و آزمون تی-تست مستقل مورد استفاده قرار گرفتند. یافته های پژوهش نشان داد که میان تمایل به آزادی و سن ارتباط معناداری وجود ندارد. علاوه بر این، میان تمایل به آزادی و جنسیت ارتباط معناداری وجود ندارد. همچنین میان سن و امتناع رابطه معناداری وجود نداشت. با این حال، یافته ها نشان داد که رابطه معناداری میان جنسیت و امتناع وجود دارد. در پایان، یافته ها در زمینه یادگیری زبان انگلیسی مورد بحث قرار گرفت و برخی از کاربردها ارائه شد.

واژگان کلیدی: واکنش منفی، تمایل به آزادی، امتناع، مدرسین ایرانی که زبان انگلیسی را به عنوان زبان خارجی تدریس می کنند.

مقدمه

بهبود تحقق اهداف آموزشی یکی از غایت های اولیه محیط آموزشی است. بنابراین هر گونه تلاش برای دستیابی به این مهم شامل نیازهای روحی مدرس و زبان آموزان است (استین، ۱۹۹۹) توجه اغراق آمیز به نیازهای زبان آموزان و نادیده گرفتن مدرسان منجر به افزایش نارضایتی مدرس و کاهش کیفیت آموزشی می شود. در نظر گرفتن عوامل موثر در امر تدریس، مثلث آموزشی شامل زبان آموزان، مدرس و مواد آموزشی است که نشان میدهد تنها زبان آموزان در رأس دید نیستند لیکن، نقش معلمان را نمی توان دست کم گرفت. شاید بهره بردن از حس آزادی در تدریس یکی از غیرقابل انکارترین عواملی است که مدرس را به فردی با اعتماد به نفس تبدیل می کند (برهم و برهم، ۱۹۸۱؛ برهم، ۱۹۶۶؛ برهم و ورتمن، ۱۹۷۵). البته کیفیت آموزش مدرس تحت تاثیر عوامل مختلفی نظیر سطح دانش، سن، ظرفیت های عاطفی، تجربیات تدریس و خود کنترلی مدرس است. همچنین، ممکن است چندین محدودیت اعمال شده دیگر با وجود خارجی سبب از بین رفتن تعهدات شغلی مدرس شود. و اهمیت این موضوع زمانی پر رنگ تر می شود که مبحث کیفیت خدمت مدرس که ضرورت آن به حاشیه کشیده شده در میان باشد. به عنوان مثال، گاهی اوقات، ممکن است سیستم آموزشی پیروی بی چون و چرای مدرس از قوانین و روش های تدریس از پیش فرض شده را بدون در نظر گرفتن استقلال مدرس در انتخاب شیوه تدریس، نیازی مبرم بداند، به طور مشابه بعضی از معیارهای از پیش تعیین شده و تحمیل شده به مدرس در راستای مدیریت کلاس می توانند قدرت اختیار مدرس را محدود کنند. وجود چنین تعدی هایی که مانع از عملکرد آزادانه ی مدرس می شود، منجر به تحریک احساسات مضر و ناسازگار می شود. به عنوان واکنش روان شناختی شناخته شده است (برهم و برهم، ۱۹۸۱؛ برهم، ۱۹۶۶).

مطالعات پیرامون مفهوم واکنش روان شناختی به عنوان یکی از موضوعات با اهمیت در روانشناسی اجتماعی، تنها در دهه ای اخیر قرن بیستم در پژوهش های برهم در سال های ۱۹۶۶ و ۱۹۸۱ قابل مشاهده است. با این وجود، در بسیاری از زمینه های تحصیلی مانند سلامت، بازاریابی، سیاست، و آموزش توجه بسیاری را به خود جلب کرده است (مشک و هم، ۲۰۱۱). با این حال، نکته شایان ذکر من باب واکنش روان شناختی این است که در زمینه آموزش زبان انگلیسی، دامنه ی پژوهش های صورت گرفته وسیع نیست (هانگ، گیاناکوپولوس، لاینگ و ویلیامز، ۱۹۹۴؛ جونگ و شیم، ۲۰۱۰؛ سینتالار، اشتایندل، یوناس، ۲۰۱۵). در حقیقت، از آنجا که مدرس به طور منظم بازخورد مثبت یا منفی از زبان آموزان و همکاران دریافت می کنند که می تواند موجب تحریک احساسات و بالتبع برانگیخته شدن واکنش منفی شود. از این رو، واکنش روان شناختی مسئله ی شایان توجهی در نظام آموزشی است؛ بنابراین پیرامون این مبحث با اهمیت، مطالعات بیشتری در زمینه آموزش و پرورش می بایست صورت گیرد.

هدف مطالعه

به منظور برطرف کردن این مسیله، مطالعه حاضر به بررسی مفهوم واکنش روان شناختی مدرسان زبان انگلیسی در موسسات خصوصی آموزش زبان انگلیسی در ایران می پردازد. بنابراین این مطالعه با متغیرهای جمعیت شناختی سن و جنسیت و هم چنین به منظور مشخص کردن نحوه همبستگی این متغیرها، دو زیر سازه تعریف شده توسط پژوهشگر تحت عناوین تمایل به آزادی (DFF) و عدم تمایل به پذیرش معیارها با عنوان امتناع (R) کار می کند. بر این اساس، این مطالعه به بررسی چهار سوال فوق می پردازد: (۱) آیا بین تمایل به آزادی و سن مدرسانی ایرانی که زبان انگلیسی را بعنوان زبان خارجی تدریس می کنند (EFL) رابطه ای وجود دارد؟ (۲) آیا اختلاف جنسیتی میان مدرسان (EFL) با توجه به میل آنها برای آزادی وجود دارد؟ (۳) چه رابطه ای میان امتناع و سن مدرسان (EFL) وجود دارد؟ (۴) آیا تفاوت جنسیتی میان مدرسان (EFL) در رابطه با امتناع وجود دارد؟

مروری بر ادبیات

براساس مطالعات پیشین، مفهوم واکنش منفی به عنوان مفهومی واحد شناخته شده است (بامیستر، کاتانیس و والاس، ۲۰۰۲؛ دیلارد و پفو، ۲۰۰۲؛ ولر، بوبلتز و لاولوند، ۲۰۰۲). اگرچه دانل، بوبلتز و توماس (۲۰۰۲) معتقدند که واکنش منفی محتملا ساختاری چند بعدی باشد. با توجه به این باور چند گانه از این مفهوم در بخش فوق به طور مختصر به بررسی ادبیات ابعاد تمایل به آزادی، امتناع، جنسیت و سن به عنوان مفاهیم مرتبط با واکنش منفی پرداخته می شود.

اهمیت آزادی

در حقیقت امر و عمل، آزادی حق غیرقابل انکار هر فردی است. بنابراین تمایل به حفظ آزادی یکی از اصول اصلی نظریه واکنش منفی است (دیلارد و پفو، ۲۰۰۲). در واقع، واکنش منفی حالتی عاطفی است و زمانی فرد آنرا تجربه می کند که احساس کند آزادی اش تحت

تأثیر عوامل محدود کننده خارجی و قوانین نامطلوب تهدید می شود (برهم، ۱۹۶۶). به بیانی دیگر، واکنش منفی زمانی رخ می دهد که برخی از عوامل خارجی دامنه انتخاب ها و یا قدرت آزادی افراد را محدود کند (برهم و برهم، ۱۹۸۱؛ برهم، ۱۹۶۸؛ کلی و ویکلاند، ۱۹۸۰). برهم (۱۹۶۶) معتقد است که میان آزادانه رفتار کردن و واکنش منفی رابطه ای مستقیم وجود دارد. بدین منظور که با افزایش میزان محدودیت، برانگیختگی واکنش منفی شدت بیشتری می یابد. بدین معنی که با افزایش میزان محدودیت، برانگیختگی واکنش منفی شدت بیشتری می یابد. با توجه به وجود اهمیت آزادی، نتایج چندین مطالعه حاکی از محوریت و اهمیت عملکرد آزادانه دارند (برهم، ۱۹۶۶؛ برهم و برهم، ۱۹۸۱؛ برهم و ورتمن، ۱۹۷۵).

علاوه بر این، بنابه آنچه بامیستر و همکاران (۲۰۰۲) اظهار دارند، چنانچه فردی آزادی خود را از دست دهد یا از وی سلب شود، سه عواقب احتمالی قابل پیش بینی است (بامیستر، کاتانیس و والاس، ۲۰۰۲):

- ۱) فرد در تلاش است تا محدودیت تحمیل شده را خلاف شیوه ای معمول انجام دهد.
- ۲) در نظر فرد اقدام ممنوعه ممکن است حتی جذاب تر و اغواکننده تر از پیش باشد.
- ۳) با انجام اقدام ممنوعه، فرد تلاش میکند تا آزادی سلب شده اش را مجدد به دست آورد.

واکنش منفی در سایه امتناع

برهم (۱۹۶۶) واکنش منفی را به عنوان یکی از ظواهر امتناع از هنجارهای همراه شده با حس مقاومت توصیف کرده است. در حوزه مطالعات روانشناسی معکوس و مصاحبه انگیزشی، در مقایسه با افراد معمولی افراد مخالف و دارای مقاومت زیاد تا حد بیشتری در معرض استیفای اعتماد به نفس سلب شده ی خود هستند (بیکر و همکاران، ۲۰۰۳؛ رولنیک و میلر، ۱۹۹۵). از نمونه های بارز افراد مخالف و مقاوم می توان اشاره به نوجوانانی کرد که معمولاً شورش می کنند، میل به خود شیفتگی دارند و تمایل دارند راهی مخالف آنچه والدین از آنها می خواهد در پیش بگیرند در برابر آنچه خواسته شده توسط والدین خود و یا عمل کنند. در همه موارد، هنگامی که افراد نمی توانند کنترل خود را بیه طور مثبت در شرایط تنش زا اعمال کنند، سعی می کنند تا با در پیش گیری روشهای زیان بخش آن را به دست می آورند (دود، ۱۹۷۶). بدین مفهوم که برخی اوقات، افراد از این هنجارها تنها در شرایط وجود محدودیت ها و ممنوعیت ها به منظور بدست آوردن مجدد کنترل خود استفاده می کنند (برهم و برهم، ۱۹۸۱).

جنسیت و واکنش منفی

دامنه مطالعات صورت گرفته پیرامون واکنش منفی در بستر متغیرهای جمعیت شناختی (مانند جنسیت، سن و قومیت) وسیع نیست، از طرفی دیگر در همین مطالعات محدود و اندک، پژوهشگران به نتیجه های متفاوتی دست پیدا کرده اند. به عنوان مثال، برهم و برهم (۱۹۸۱) تصریح کردند که در رابطه با مفهوم واکنش منفی هیچ گونه تفاوتی میان مرد و زن وجود ندارد. در راستای تایید این یافته، مطالعات دود، ترات و واتکینز (۱۹۹۲) و هانگ و همکاران (۱۹۹۴) نتیجه مشابه را یافتند. اگرچه، در مقابل چنین یافته ای برخی مطالعات دریافته اند که در مقایسه با زنان، مردان واکنش بیشتری از خود نشان می دهند (آرچر و برگ، ۱۹۷۸؛ یوبرت، ۱۹۹۰؛ سیمن و همکاران، ۲۰۰۴). به عبارت دیگر، در مقایسه با زنان، مردان بیشتر خواستار بازگرداندن آزادی سلب شده هستند (دیویس و مارتین، ۱۹۷۸؛ فاینگلد، ۱۹۹۴؛ هال، ۱۹۸۴؛ مکوبی و ژاکلین، ۱۹۷۴). با در نظر گرفتن چنین نتایجی، پیوند میان جنسیت، اجتماعی شدن و واکنش منفی نیز ایجاد می شود (دود و والبراون، ۱۹۹۳). میزان برانگیختگی واکنش روان شناختی بستگی چگونگی اجتماعی شدن فرد به هنجارها دارد و بی تردید، نحوه اجتماعی شدن مردان متفاوت از زنان است (آرچر و برگ، ۱۹۷۸؛ یوبرت، ۱۹۹۰؛ ارگن، ۱۹۷۴؛ سیمن و همکاران، ۲۰۰۴).

سن و واکنش روان شناختی

دیگر عوامل مرتبط به حوزه روان شناسی، متغیر سن است. برهم و برهم (۱۹۸۱) اظهار دارند که با افزایش سن، افراد واکنش منفی کمتری به محرک های مختلف (خواه با وجود خارجی یا درونی) نشان می دهند. عمدتاً، افراد سالمند توانایی برقراری تعادل میان تمایل خود را برای نشان دادن مقاومت و تمایل به آزادانه عمل کردن را دارند. علاوه بر این، این گروه از توانایی بالایی در بازگردانی آزادی برخوردارند. با توجه به این نکته، هانگ و همکاران (۱۹۹۴) نیز دریافته اند که میزان برانگیختگی واکنش منفی در افراد جوان بیشتر است. البته، در طول زندگی افراد الگوی واکنش منفی الگویی غیر خطی است. به عبارت دیگر، در طول زندگی افراد، از دوران کودکی تا اوایل بزرگسالی میل به کنترل محرک ها و شرایط تنش زای مختلف افزایش می یابد. سپس به مدت زمانی ثابت می ماند (شدت و میزان) و در نهایت در دوران آتی

بزرگسالی کاهش می یابد. طبق گزارش مبتنی بر مطالعه ولر و همکاران (۲۰۰۷)، ارتباط میان واکنش منفی و سن دارای الگوی منحنی شکل است.

روش شناسی

آزمودنی ها

در مطالعه کمی حاضر، آزمودنی ها شامل ۵۵۰ مدرس ایرانی که زبان انگلیسی را بعنوان زبان خارجی تدریس می کنند (رسمی و آزاد) که رضایت خود را جهت همکاری در پاسخ به پرسشنامه ی مربوطه اعلام کردند بودند. از لحاظ جمعیت شناختی، نمونه شامل ۳۵۰ زن تقریباً حدود ۶۶٫۹٪ و ۲۰۰ مرد حدود ۳۳٫۱٪ از کل شرکت کنندگان بود. همچنین، آزمودنی ها در فاصله سنی بین ۲۰ تا ۵۰ سال بودند (میانگین = ۲۰، انحراف معیار = ۱). علاوه بر این، این مطالعه در موسسات خصوصی آموزش زبان انگلیسی و مدارس (راهنمایی و دبیرستان) در شهرهای مشهد، نیشابور، اهواز، سبزوار، تهران و بیرجند انجام شد. محرمانه بودن اطلاعات آزمودنی ها در محوریت توجه پژوهشگر بود.

ابزارهای پژوهش

به منظور سنجش میزان برانگیختگی واکنش منفی مدرسان نسبت به عوامل محدود کننده و همچنین تعیین روابط موجود میان واکنش منفی با دو متغیر جمعیت شناختی سن و جنسیت مقیاس روان شناختی واکنش منفی هانگ و پیچ (۱۹۸۹) با نام اختصاری (HPRS) مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه در برخی از مطالعات مهم مورد استفاده قرار گرفته است [۲۹، ۳۰، ۳۱]. بنابر گزارش هانگ و پیچ (۱۹۸۹)، از ضریب پایایی قابل قبولی برخوردار است و ضریب همبستگی کرونباخ آلفا برابر ۰٫۷۷ گزارش شده است. همچنین در مطالعه حاضر، ضریب همبستگی کرونباخ آلفا برابر ۰٫۷۹ بوده است. به منظور سهولت تفسیر و تجزیه و تحلیل، پرسشهای مقیاس HPRS به دو زیر سازه تعریف شده توسط پژوهشگر تقسیم شد (ضمیمه A).

۱) تمایل به آزادی (DFF) شامل موارد ۱۰، ۸، ۶، ۴، ۱۴

۲) امتناع (R) شامل موارد ۱، ۲، ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳

شرکت کنندگان در واقع یک بخش جمعیت شناختی را که مرتبط با سن و جنس آنها بود را تکمیل کردند و علاوه بر این، میزان موافقت یا مخالفت خود را نسبت به محتوای پرسشنامه در مقیاس پنج گانه لیکرت به این گونه که شماره یک (کاملاً مخالف) و شماره پنج (کاملاً موافق) نشان دادند. نکته شایان توجه در اینجا این است که تمایل به آزادی در این پرسشنامه اشاره به حق آزادی توسط خود افراد شده دارد، در حالیکه در بستر موسسات خصوصی آموزش زبان انگلیسی و مدارس زیر این آزادی تحت تاثیر عوامل بیرونی و مقتضی شرایط منحصر به فرد دارد.

فرآیند

جمع آوری داده ها بیش از چهار ماه طول کشید. زمان تقریبی تکمیل پرسشنامه برای اکثر شرکت کنندگان تقریباً ۱۶ دقیقه بود. در حالی که محدودیت زمانی خاصی توسط پژوهشگر مقرر نشد.

تحلیل

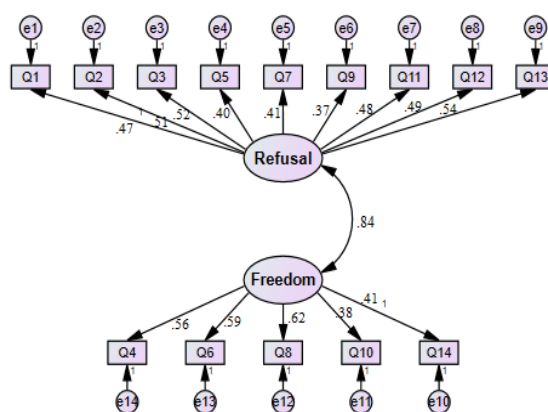
پس از جمع آوری داده ها، آزمون های زیر مورد استفاده قرار گرفت: ضریب همبستگی کرونباخ آلفا برای ارزیابی همسانی زیر سازه ها، آزمون پارامتری همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه دو زیر سازه تمایل به آزادی (DFF) و امتناع (R) بامتغیر سن و همچنین آزمون تی-تست مستقل برای مشخص کردن تفاوت های جنسیتی آزمودنی ها در رابطه با تمایل به آزادی و امتناع استفاده شدند.

اعتبار سنجی پرسشنامه

در این مطالعه، اعتبارسنجی ساختار و محتوای پرسشنامه از طریق تحلیل عامل تاییدی با استفاده از نرم افزار آموس سنجیده شد. ارتباط میان زیر سازه های مدل پیشنهادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج را در شکل یک می توان مشاهده کرد. برای بررسی تناسب مدل، شاخص های تناسب مدل اندازه گیری شد. با توجه به نتایج بدست آمده، همانطور که جدول یک نشان می دهد، تمامی شاخص های مناسب بودن در محدوده قابل قبول قرار دارند. مدل پیشنهادی برای پرسشنامه مذکور پذیرفته شد.

جدول ۱: شاخص های تناسب HPRS

	X ²	df	X ² /df	GFI	CFI	RMSEA
قابل قبول تناسب			<3	>.90	>.90	<.08
مدل	140.57	76	1.85	.94	.90	.07



تصویر ۱. مدل تحلیل عامل تاییدی HPRS

یافته ها

آمار توصیفی

این مطالعه کمی با هدف یافتن روابط احتمالی واکنش روان شناختی گروهی از مدرسان مرد و زن با تمایل آنها به آزادی، امتناع، سن و جنسیت صورت گرفته است. برای توصیف جمعیت نمونه، آمار توصیفی مورد استفاده قرار گرفت. جداول دو و سه اطلاعات جمعیت شناختی از جمله جنسیت و سن از آزمودنی ها را شامل می شود. در جدول دو، آمار توصیفی جنسیت آزمودنی ها ارائه شده است. همان طور که نشان داده شده است، تعداد بیشتری از شرکت کنندگان زن بودند (۶۶٫۹٪ و تعداد=۵۵۰).

جدول ۲. آمار توصیفی مربوط به جنسیت

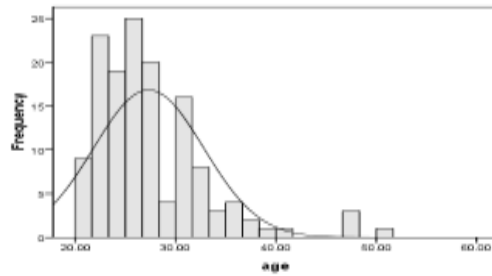
Group	Frequency	Percent
Female	93	66.9
Male	46	33.1
Total	550	100.0

همچنین، آمار توصیفی جنسیت آزمودنی ها در جدول سه و شکل دو ارائه شده است. طبق گزارش های جدول سه، میانگین سن حدود ۲۰ است.

جدول ۳. آمار توصیفی مربوط به سن

	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation
Age	550	20.00	50.00	20.00	1.92

همانطور که در شکل دو نشان داده شده است، اکثر شرکت کنندگان در حدود ۲۳ تا ۲۴ سال سن داشتند. بنابراین آزمودنی ها به دو گروه سنی تقسیم شدند: گروه سنی اول (گروه جوانتر که در فاصله سنی ۲۰ تا ۳۵ سال قرار داشتند و از ۵۵۰ شرکت کننده، ۴۸۳ نفر در این گروه سنی قرار داشتند. گروه سنی دوم) گروه بزرگتر که در فاصله سنی ۳۵ تا ۵۰ سال قرار داشتند. بدین ترتیب ۶۷ نفر از کل آزمودنی ها از گروه سنی دوم بودند.



تصویر ۲. نمودار سن آزمودنی ها

متغیرهای پژوهش

در جدول چهار، آمار توصیفی مربوط به هر یک از متغیرهای پژوهش شامل مینیمم، ماکسیمم، میانگین و انحراف معیار ارائه شده است. همانطور که مشاهده می شود میانگین تمایل به آزادی و امتناع به ترتیب برابر با ۳,۵۱ و ۲,۹۹ می باشد.

جدول ۴. آمار توصیفی زیر سازه ها

Sub-constructs	N	Minimum	Maximum	Mean	Std.D
DFP	550	2.20	5.00	3.51	.58
R		1.89	4.11	2.99	.45

آمار استنباطی و آزمون فرضیه ها

در این بخش به بررسی فرضیه ها پرداخته می شود. با توجه به نرمال بودن متغیرها از آزمونهای پارامتری همبستگی پیرسون (Pearson Correlation Analysis) و آزمون تی تست مستقل (Independent Sample T Test) جهت آزمون فرضیه ها استفاده شده است. براساس اولین سوال پژوهش، فرضیه صفر رابطه ای مبتنی بر معنادار بودن میان سن آزمودنی ها و تمایل آنها به آزادی نیافته است و دلالت بر پذیرش فرضیه صفر دارد.

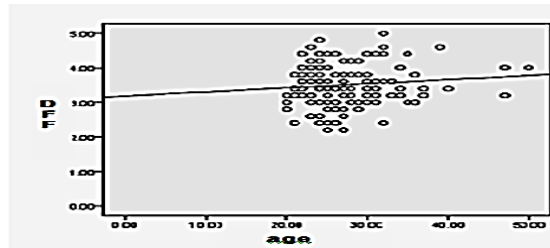
فرضیه صفر اول: رابطه ی معناداری میان تمایل به آزادی و سن آزمودنی ها وجود ندارد.

بر اساس جدول فوق، ضریب همبستگی پیرسون بین تمایل به آزادی و سن آزمودنی ها برابر با ۰.۱۱ است و مقداری مثبت است. همچنین سطح معناداری آزمون برابر با ۰.۱۹ است که بیشتر از ۰.۰۵ می باشد ($Sig = .190 > 0.05$) بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه صفر (H_0) پذیرفته می شود و به این مفهوم است که بین تمایل به آزادی و سن آزمودنی ها رابطه ی معناداری وجود ندارد و فرضیه اول پژوهش تأیید می گردد. در آزمون همبستگی پیرسون، مقدار ضریب همبستگی همان میزان اندازه اثر می باشد که در این فرضیه برابر با ۰.۱۱ می باشد و بدین مفهوم است که ۱۱ درصد از واریانس تمایل به آزادی توسط سن آزمودنی ها تبیین می شود.

جدول ۵. همبستگی میان تمایل به آزادی و سن

Age		
DFP	Pearson Correlation	.112
	Sig. (2-tailed)	.190
	N	550

همچنین نمودار سه رابطه سن آزمودنی ها با میزان تمایل آنها به آزادی را نشان می دهد. همانگونه که از الگو برداشت می شود، هر دو گروه سنی به میزان مشابه رفتار می کنند، به استثنای وجود چندین برون هشته در گروه سنی بالاتر از ۳۵.



تصویر ۳. نمودار پراکنش سن و تمایل به آزادی

فرضیه صفر دوم: میان تمایل به آزادی و جنسیت آزمودنی‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد. در این فرضیه به بررسی تفاوت معنادار در تمایل به آزادی در دختران و پسران آزمودنی پرداخته می‌شود و با توجه به اینکه تمایل به آزادی متغیری کمی و جنسیت متغیری اسمی (دختر و پسر) با دو سطح می‌باشد، لذا جهت بررسی این فرضیه از آزمون تی تست مستقل (Independent Sample T Test) استفاده شده است که در این آزمون به مقایسه‌ی تمایل به آزادی در دختران و پسران آزمودنی پرداخته می‌شود. نتایج آزمون در جدول شش ارائه شده است.

جدول ۶. آمار مربوط به دو گروه و آزمون تی-تست برابری میانگین‌ها

Levene's Test for Equality of Variances		T-test for Equality of Means					Effect Size		
F	Sig.	group	N	Mean	Std. D	Mean Difference	T	Sig.	
1.04	.30	Female	350	2.50	.51	-0.02	-.21	.82	0.0003
		Male	200	2.52	.50				

در این آزمون ابتدا فرض برابری واریانس‌ها با استفاده از آزمون لون (Levene's Test) در جدول فوق بررسی می‌شود. با توجه به اینکه سطح معناداری مربوط به برابری واریانس‌ها برابر با ۰,۳۰ بوده و از ۰,۰۵ بیشتر می‌باشد لذا می‌توان گفت که واریانس‌ها برابر می‌باشند و از نتایج مربوط به برابری واریانس‌ها جهت ادامه‌ی تحلیل استفاده می‌شود.

همچنین با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که میانگین نمرات مربوط به تمایل به آزادی در زن و مرد به ترتیب برابر با ۲,۵۰ و ۲,۵۲ است. سطح معناداری آزمون برابر با ۰,۸۲ می‌باشد که بیشتر از ۰,۰۵ است (sig = 0.82 > 0.05) بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه صفر (H₀) تأیید می‌شود و بدین مفهوم است که بین تمایل به آزادی و جنسیت آزمودنی‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد و فرضیه‌ی دوم پژوهش تأیید می‌گردد. همچنین در جدول فوق مشاهده می‌شود که اندازه اثر بدست آمده برابر با ۰,۰۰۰۳ می‌باشد و بدین مفهوم است که ۰,۰۳ درصد از واریانس تمایل به آزادی توسط جنسیت تبیین می‌شود.

فرضیه صفر سوم: میان امتناع و سن آزمودنی‌ها رابطه‌ای معناداری وجود ندارد.

در این فرضیه به بررسی رابطه‌ی بین دو متغیر تمایل به مقاومت و سن آزمودنی‌ها پرداخته می‌شود و با توجه به اینکه سن آزمودنی‌ها و همچنین زیرسازه امتناع از میانگین سوالهای مربوطه در پرسشنامه بدست می‌آید و از نوع کمی می‌باشند لذا به منظور بررسی رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده می‌شود.

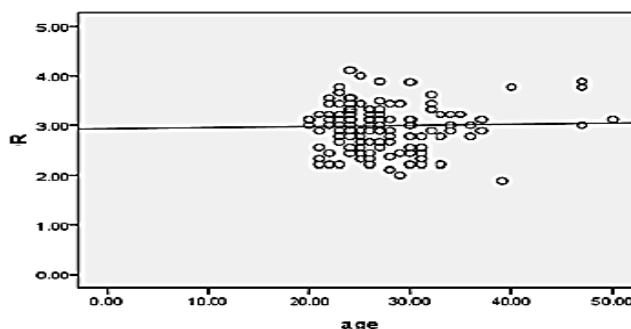
بر اساس جدول فوق، ضریب همبستگی پیرسون بین تمایل به آزادی و سن آزمودنی‌ها برابر با ۰,۰۲ است و مقداری مثبت است. همچنین سطح معناداری آزمون برابر با ۰,۰۷ است که بیشتر از ۰,۰۵ می‌باشد (Sig=.753 > 0.05) بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه صفر (H₀) پذیرفته می‌شود و به این مفهوم است که بین تمایل به آزادی و سن آزمودنی‌ها رابطه‌ی معناداری وجود ندارد و فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌گردد.

در آزمون همبستگی پیرسون، مقدار ضریب همبستگی همان میزان اندازه اثر می باشد که در این فرضیه برابر با ۰,۰۲ می باشد و بدین مفهوم است که ۲,۷ درصد از واریانس تمایل به آزادی توسط سن آزمودنی ها تبیین می شود.

جدول ۷. همبستگی میان سن و امتناع

	Age
R	Pearson Correlation
	Sig. (2-tailed)
	N
	.027
	.753
	139

همچنین نمودار پراکنش نیز نشان می دهد که هیچ رابطه ای بین تمایل به آزادی و سن آزمودنی ها وجود ندارد.



تصویر ۴. میزان پراکنش امتناع در گروه های سنی مختلف

فرضیه صفر چهارم: بین تمایل به مقاومت و جنسیت آزمودنی ها تفاوت معناداری وجود ندارد. در این فرضیه به بررسی تفاوت معنادار در تمایل به مقاومت در دختران و پسران آزمودنی پرداخته می شود و با توجه به اینکه تمایل به مقاومت متغیری کمی و جنسیت متغیری اسمی (دختر و پسر) با دو سطح می باشد، لذا جهت بررسی این فرضیه از آزمون تی تست مستقل (Independent Sample T Test) استفاده می شود. بنابراین فرضیه آزمون به صورت زیر می باشد:

فرضیه صفر چهارم: بین تمایل به مقاومت و جنسیت آزمودنی ها تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین رد فرضیه صفر (H_0) به این مفهوم است که بین تمایل به مقاومت و جنسیت آزمودنی ها تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج آزمون در جدول هشت ارائه شده است.

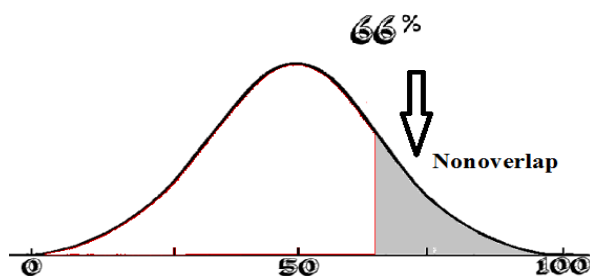
جدول ۸. آمار مربوط به دو گروه و آزمون تی-تست برابری میانگین ها

	Levene's Test for Equality of Variances		T-test for Equality of Means						Effect Size	
	F	Sig.	group	N	Mean	Std. D	Mean Difference	T		Sig.
Equal variances assumed			Female	350	2.93	.45				
Equal variances not assumed	.08	.77	Male	200	3.11	.44	-0.18	-2.16	.032*	0.032

در این آزمون ابتدا فرض برابری واریانس ها با استفاده از آزمون لون (Levene's Test) در جدول فوق بررسی می شود. با توجه به اینکه سطح معناداری مربوط به برابری واریانس ها برابر با ۰,۷۷ بوده و از ۰,۰۵ بیشتر می باشد لذا می توان گفت که واریانس ها برابر می باشند و از نتایج مربوط به برابری واریانس ها جهت ادامه ی تحلیل استفاده می شود.

همچنین با توجه به جدول فوق مشاهده می شود که میانگین نمرات مربوط به امتناع در زن و مرد به ترتیب برابر با ۲,۹۳ و ۳,۱۱ است. سطح معناداری آزمون برابر با ۰,۰۳ می باشد که از ۰,۰۵ کمتر است ($\text{sig} = 0.032 < 0.05$) بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه صفر (H_0) رد می شود و می توان گفت که میان امتناع و جنسیت آزمودنی ها تفاوت معناداری وجود دارد بطوریکه میزان امتناع در مردان بیشتر از زنان می باشد. بنابراین فرضیه ی چهارم پژوهش تأیید نمی گردد.

به علاوه، نمودار پنج نمایشی از تفاوت رفتاری در دو گروه زن و مرد می باشد، به این گونه که بخش تیره تر نشانگر میزان بالای مقاومت و امتناع در مردان می باشد.



نمودار ۵. تفاوت رفتاری مرد و زن از دیدگاه امتناع (R)

بحث و نتیجه گیری

همانطور که پیش تر اشاره شد مطالعه فعلی در رشته آموزش زبان انگلیسی در موسسات آموزش زبان انگلیسی و مدارس، موضوعی بدیع است و بنابراین پیرامون چگونگی رفتار مدرسان نسبت به تمایل خود برای رد هنجار یا تمایل به آزادی، بررسی عمیقی در مطالعات صورت نگرفته است. اهداف این مطالعه عبارت بودند از: بررسی رابطه میان سن مدرسان EFL ایرانی نسبت به دو زیر سازه میل خود به آزادی (DFF) و امتناع (R) و بررسی هر گونه تفاوت جنسیتی نمونه در رابطه با متغیرهای ذکر شده.

با بررسی اولین فرضیه صفر، هیچ تأثیری از سن بر تمایل برای آزادی آزمودنی ها حاصل نشد. این یافته، هر چند که توسط پژوهشگر پیش بینی شده بود با آنچه که هانگ و گیاناکوپولوس (۱۹۹۳) نتیجه گیری کرده بود که میزان برانگیختگی واکنش منفی در گروه جوان تر بالاتر از گروه دیگر بوده است، در تضاد است. به هر حال، نتایج به دست آمده پیرامون تأثیر واکنش منفی بر سن در مطالعات نتایج گوناگون داشته است. به عنوان مثال، مطالعه ولر و همکاران (۲۰۰۷) در بررسی واکنش منفی بر سه گروه از سنی نشان داد که میزان برانگیختگی واکنش منفی در دو گروه سنی جوان (۲۴-۱۸، ۳۴-۲۵) و مسن (۵۵+) بیشتر از گروه سنی میانی (۴۴-۳۵، ۵۴-۴۵) بوده است. من باب یافته های مطالعه فعلی، نسبت نا همگونی آزمودنی ها در سراسر طیف سنی تعیین شده توسط پژوهشگر ممکن است احتمال بروز تأثیر سن بر تمایل به آزادی را کاهش دهد. علاوه بر این، تجمع آزمودنی ها در گروه سنی ۲۳ تا ۲۴ نشانگر چگونگی واکنش مدرسان مسن تر به عوامل محدودگر موسسات آموزشی و مدارس است.

در فرضیه صفر دوم، ممکن است الگوی مشابهی بر رابطه میان جنسیت و تمایل به آزادی تأثیر داشته باشد. همانطور که مشاهده شد، تفاوت میان مرد و زن پیرامون تمایل خود به آزادی، معنادار نبود. اطلاعات آماری در جدول شش حاکی از این مهم است که میانگین میزان DFF برای مدرسان مرد (۲,۵۲) به نحوی بیشتر از مدرسان زن بود (۲,۵۰)؛ با این حال، بازنگری دقیق تر از اندازه اثر میانگین اختلاف در این مورد (۰,۰) نشان می دهد که هر دو جنس مطالعه نسبتاً تمایل یکسانی برای برخورداری از آزادی دارند. این نتیجه فعلی، اگرچه پیش از این مطالعه ی قبلی در بستر آموزشی ایران، منعکس گر چشم انداز آگاهانه مدرسان زن در مورد تمایل خود برای برخورداری از آزادی در نقش اجتماعی آنها باشد.

با توجه به فرضیه سوم صفر، در بین دو گروه سنی (۲۰-۳۵) و (۳۵-۵۰) میان دو متغیر سن و امتناع رابطه معناداری وجود ندارد. این یافته از دیدگاه هانگ و همکاران (۱۹۹۴) که اظهار داشت با افزایش سن میزان برانگیختگی واکنش کاهش می یابد و با الگوی منحنی واکنش منفی پشتیبانی نمی شود، زیرا احتمالاً این مطالعه طیف گسترده ای از نوجوانان پیش از نوجوانی را شامل نمی شود. با توجه به فرضیه چهارم که به بررسی رابطه جنسیت و امتناع (R) پرداخته بود، از جدول هشت می توان دریافت که میانگین امتناع (R) در مدرسان مرد بیشتر از مدرسان زن است. این یافته به ادبیات مربوط به تفاوت های مردان و زنان در نشان دادن امتناع روان شناختی به محدودیت ها مربوط می شود (آرچر و برگ، ۱۹۷۸؛ یوبرت، ۱۹۹۰؛ سیمن و همکاران، ۲۰۰۴).

محدودیت های مطالعه

به طور معمول با هر مطالعه، مطالعه فعلی دارای برخی محدودیت هایی است که می تواند بر قابل تعمیم بودن نتایج آن تاثیر بگذارد. اولاً شاید پراکندگی جنسیتی متناسب تر می تواند نتایج را تغییر دهد. به طور کلی، با توجه به نمونه گیری مناسب، تعداد مربیان زن در این مطالعه دو برابر بیشتر از مربیان مرد بودند. دوم، بیشترین دوره سنی در به ترتیب از ۲۰ تا ۲۴ سالگی بوده است. در واقع، جمعیتی بزرگتر با تنوع سنی بیشتر، مشاهدات دقیق تری از الگوهای افزایش یا کاهش واکنش منفی با سن نشان می دهد. ثالثاً، جمع آوری داده از مدرسانی که مایل به بیان و نشان دادن برانگیختگی واکنش شان نسبت به هنجارهای اجتماعی- فرهنگی بستر نظرسنجی که در آن پیروی از قوانین و مقررات محافظه کارانه معادل سپری مدت زمان طولانی تدریس می باشد، بسیار مشکل است.

نتیجه گیری و پیامدهای مطالعات آینده

در مقاله حاضر، واکنش منفی با دو زیر سازه تمایل به آزادی و امتناع و هم چنین از لحاظ روابط احتمالی این زیر سازه ها با دو متغیر سن و جنسیت به عنوان دو متغیر جمعیت شناختی مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج نشان داد که میان تمایل به آزادی و سن، امتناع و سن، و تمایل به آزادی و جنسیت رابطه معناداری وجود ندارد. اگرچه سوی دیگر، میان جنسیت و امتناع رابطه معنادار وجود دارد. مطالعه فعلی، به رغم محدودیت های ذکر شده، رویکرد و چشم اندازهای متمر ثمر برای معلمان زبان انگلیسی ارائه دهد. اولاً، مطالعه ای پیرامون یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی (EFL) به بررسی تمایل به رد هنجارها و جنسیت پرداخته باشد، صورت نگرفته است. یافته های این مطالعه را می توان به عنوان نوعی مشارکت در حوزه واکنش منفی در نظر گرفت. علاوه بر این، هیچ مقیاسی برای اندازه گیری واکنش منفی زبان آموزان در زمینه های یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی (EFL) وجود ندارد. از این دیدگاه، مطالعات بیشتری برای توسعه و اعتبار سنجی واکنش گرایی دانشجویان توصیه می گردد. در پایان، این مطالعه به پژوهشگران پیشنهاد می کند تا مطالعات بیشتری در حوزه هایی که تاکنون به درستی مورد بررسی قرار نگرفته داشته باشند، به عنوان مثال، بررسی اثرات بالقوه هنجارهای اجتماعی- فرهنگی یا گرایش های مذهبی بر سطوح واکنش منفی در معلمان یا دانش آموزان پیشنهاد می گردد.

تعارض در منافع

بین نویسندگان مقاله هیچگونه تعارضی در منافع وجود ندارد.

سپاسگزاری

در پایان لازم است که نویسنده مراتب قدردانی خود را که به سردبیر و بازبین گران که سهم شایانی در بهتر شدن کیفیت مقاله داشتند تقدیم دارد. علاوه بر این، از شرکت کنندگان که پژوهشگر را در اجرای پژوهش همکاری و مساعدت نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می آید.

منابع مالی

مقاله مستخرج از طرح پژوهشی نویسنده نمیباشد، هیچ حمایت مالی در تمامی مراحل پژوهش صورت نگرفته است و تمامی هزینه ها بر عهده نویسنده مقاله بوده است.

تاییدیه اخلاقی

ملاحظات اخلاقی شامل جلب رضایت، دادن اطمینان به آزمودنی ها مبنی بر محرمانه بودن پاسخهایشان و دادن اختیار برای خروج از پژوهش در هر مرحله از پژوهش رعایت شد.

منابع و مراجع

- [1] Archer, R. L., & Berg, J. H. (1978). Disclosure reciprocity and its limits: A reactance analysis. *Journal of Experimental Social Psychology, 14*(6), 527-540.
- [2] Baker, K. D.; Sullivan, Hope; & Marszalek, Jacob M. (2003). Therapeutic reactance in a depressed client sample: A comparison of two measures. *Assessment, 10*(2), 135-142.
- [3] Baumeister, R. F., Catanese, K. R., & Wallace, H. M. (2002). Conquest by force: A narcissistic reactance theory of rape and sexual coercion. *Review of General Psychology, 6*(1), 92-135.
- [4] Brehm, J. W. (1966). *A theory of psychological reactance*. New York, NY: Academic Press.
- [5] Brehm, J. W. (1968). Attitude change from threat to attitudinal freedom. In A. G. Greenwald, T. C. Brock, and T. M. Ostrom (Eds.), *Psychological foundations of attitudes* (pp. 277-296). New York, NY: Academic Press.
- [6] Brehm, J. W., & Brehm, S. S. (1981). *Psychological reactance: A theory of freedom and control*. New York, NY: Academic Press.
- [7] Brehm, J. W., & Wortman, C. B. (1975). Responses to uncontrollable outcomes: An integration of reactance theory and the learned helplessness model. *Advances in Experimental Social Psychology, 8*, 277-336.
- [8] Buboltz, W. C, Thomas, A., & Donnell, A. J. (2002). Evaluating the factor structure and internal consistency reliability of the therapeutic reactance scale. *Journal of Counseling and Development, 80*(1), 120-125.
- [9] Clee, M. A., & Wicklund, R. A. (1980). Consumer behavior and psychological reactance. *Journal of Consumer Research, 6*(4), 389-405.
- [10] Davis, D., & Martin, H. J. (1978). When pleasure begets pleasure: Recipient responsiveness as a determinant of physical pleasuring between heterosexual dating couples and strangers. *Journal of Personality and Social Psychology, 36*(7), 767-777.
- [11] Dillard, J. P., & Pfau, M. (2002). *The persuasion handbook: Developments in theory and practice*. New York: Sage Publications.
- [12] Dillard, J. P., & Shen, L. (2005). On the nature of reactance and its role in persuasive health communication. *Communication Monographs, 72*(2), 144-168.
- [13] Dowd, E. T. (1976). The Gotterdammerung syndrome: Implications for counselling. *Counselling and Values, 20*, 139-142.
- [14] Dowd, E. T., Trutt, S. D., & Watkins, C. E. (1992). Interpretation style and reactance in counsellor's social influence. *Psychological Reports, 70*(1), 247-254.
- [15] Dowd, E. T., & Wallbrown, F. (1993). Motivational components of psychological reactance. *Journal of Counselling and Development, 71*(5), 533-538.
- [16] Feingold, A. (1994). Gender differences in personality: A meta-analysis. *Psychological Bulletin, 16*(3), 429-456.
- [17] Hall, J. A. (1984). *Nonverbal gender differences: Accuracy of communication and expressive style*. Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press.
- [18] Hong, S. M., & Giannakopoulos, E. (1993). The relationship of satisfaction with life to personality characteristics. *The Journal of Psychology, 128*(5), 547-558.
- [19] Hong, S. M., Giannakopoulos, E., Laing, D., & Williams A. (1994). Psychological reactance: Effects of age and gender. *Journal of Social Psychology, 134*(2), 223-552.
- [20] Hong, S. M., & Page, S. (1989). A psychological reactance scale: Development, factor structure and reliability. *Psychological Reports, 64*(3), 1323-1326.
- [21] Joubert, C. E. (1990). Relationship among self-esteem, psychological reactance, and other personality variables. *Reports, 66*(3), 147-157.
- [22] Joubert, C. E. (1992). Antecedents of narcissism and psychological reactance as indicated by college students' reports of their parents' behaviour. *Psychological Reports, 70*(3), 111-115.
- [23] Jung, T., Shim, W. (2010). Psychological reactance and effects of social norms messages among binge drinking college students. *Journal of Alcohol and Drug Education, 54*(3), 7-18.

- [24] Maccoby, E. E., & Jacklin, C. N. (1974). *The psychology of sex differences*. Stanford, CA: Stanford University Press. *Communication Education*, 34(3), 214-226.
- [25] Mashek, D., & Hammer, E. Y. (2011). *Empirical research in teaching and learning: Contributions from social psychology*. Malden, MA: Wiley- Blackwell.
- [26] Organ, D. W. (1974). Social exchange and psychological reactance in a simulated superior-subordinate relationship. *Organizational Behaviour and Human Performance*, 12(1), 132-142.
- [27] Rollnick, S., & Miller, W. R. (1995). What is motivational interviewing? *Behavioral and Cognitive Psychotherapy*, 23(4), 325-334.
- [28] Seemann, E. A., Buboltz, W. C., Jenkins, S. M., Soper, B., & Woller, K. (2004). Ethnic and differences in psychological reactance: The importance of reactance in multicultural counselling. *Counselling Psychology Quarterly*, 17(2), 167-176.
- [29] Sittenthaler, S., Steindl, C., & Jonas, E. (2015). Legitimate vs. illegitimate restrictions: A motivational and physiological approach investigating reactance processes. *Frontiers in Psychology*, 6, 1-10.
- [30] Steyn, G. M. (1999). Out of the crisis: Transforming schools through total quality management. *South African Journal of Education*, 19(4), 357-363.
- [31] Woller, K. M., Buboltz, W. C., & Loveland, J. M. (2007). Psychological reactance: Examination across age, ethnicity, and gender. *The American Journal of Psychology*, 120(1), 15-24.